

روند جهانی شدن و توسعه کشاورزی، محیط زیست،



مقدمه

● شقایق خیری و حسین شعبانعلی فمی

اصطلاح توسعه پایدار ترکیبی است از دو واژه که دو جنبه متفاوت پیشرفت صنعتی - اقتصادی و کیفیت زیست محیطی را در یک نماد متحد می‌سازد. به این ترتیب دو مفهوم اغلب متضاد تعادل زیستی و اقتصاد در کنار هم قرار گرفته و زیربنای جهت‌گیری توسعه پایدار را تشکیل می‌دهند.

در دهه پایانی قرن بیستم، نظام‌های سیاسی و مدیریتی در دو جهان توسعه یافته و در حال توسعه با مفهوم نوینی مواجه شدند که از آن به عنوان توسعه پایدار یاد می‌کنند طی کردن مسیر توسعه مستلزم اقدامات گسترده گروه‌های مدیریتی و فنی جوامع محلی در محدوده مسئولیت نسبت به ابعاد مشکلات و راه حصول به توسعه می‌باشد؛ که این امر عملی نمی‌گردد مگر با یک حرکت غیرمتمرکز راه‌اندازی کانون‌های فنی - مدیریتی در مناطق تحت تأثیر برنامه‌های توسعه و حمایت‌های دولت، توانمندسازی مردم، توجه به اقشار فراموش شده، رشد پایدار، خوداتکایی، حفاظت محیط زیست، رشد فرهنگی و اجتماعی، آموزش، بهداشت، امکانات و تسهیلات رفاهی و... در واقع برای حرکت به سمت توسعه باید ابعاد آن را در نظر گرفت و توجه به یک یا تنها چند بعد از آن، سبب دستیابی به توسعه پایدار و همه جانبه نمی‌گردد. در پارادایم جدید توسعه محور و کانون توجه انسان و مشارکت همه افراد در همه ابعاد مدیریتی است.

مکانیزم‌های صحیح برای مشارکت مردم در توسعه محلی استوار بر آگاهی خواهد بود تا در فضایی علمی و

کارآفرینی شرکت نمایند، در تصمیم‌گیریها و عملیات دخیل و سهیم باشند و خود دقیقاً نسبت به آنچه که در اختیار دارند، احساس مسئولیت نمایند که در جهت توسعه به طور صحیح و کامل به کار رود. برنامه‌ریزی و اجرای طرحهای بهبود شرایط به‌زیستی و فعالیت جمعی در تعیین کیفیت زندگی مردم با توجه به حجم زیاد کارهایی که می‌بایست انجام گیرد، ایجاب می‌کند که همگان در این مسئولیت احساس مشارکت کرده و به سهم خود ایفای نقش نمایند. لذا با استفاده از نیروهای اجتماعی و مدیریتی محل، زمینه همکاری فراهم می‌شود تا در سایه آن امور فنی - مهندسی با مشارکت دانشگاهها و مراکز فنی - حرفه‌ای - آموزشی در قالب برنامه‌ها و طرحهای مناسب این موضوع مورد هدف قرار گیرد تا به اصلاح شرایط زیستی منتهی شود.

در اینجا با توجه به وسیع بودن توسعه و دخیل بودن فاکتورهای فراوان در آن، بطور خلاصه نگاه کوتاهی بر برخی ابعاد آن شده است.

کشاورزی و توسعه

کشاورزی در توسعه اقتصادی و اجتماعی بیشتر کشورهای جهان سوم نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، و علی‌رغم تلاش برخی از کشورها در سرعت بخشیدن به فرآیند صنعتی شدن، واضح است که بطور کلی باید به توسعه کشاورزی اولویت داده شود. اگرچه بخش کشاورزی سهم عمده‌ای (سی - چهل درصد) در تولید ناخالص ملی بسیاری از کشورهای در حال توسعه دارد، مع‌هذا، اهمیت آن بعنوان یک منبع اشتغال مطرح است، زیرا در کشورهای در حال توسعه میانگین جمعیت روستایی بیش از ۶۶ درصد کل جمعیت برآورد گردیده است و در بسیاری از این کشورها، بخش کشاورزی موجبات اشتغال پنجاه تا هفتاد و پنج درصد کل نیروی کار را فراهم می‌آورد.

جهت عبور از عادات و شیوه‌های دوران وابستگی به درآمد‌های بی‌زحمت نفت باید با بهره‌گیری از نظامهای برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای و احساس مسئولیت و انگیزه، تدبیر و تدبیر، مشارکت و سرمایه‌گذاری همگان را در توسعه کشور کارساز کرده و در جهت توسعه و مدیریت درون‌زای محلی یا ایجاد نقش برای عوامل بر حسب وظایف، توانمندی و علاقه آنها تا شکوفایی استعداد‌های بالقوه‌شان قدم برداشت.

جامعه شهری و روستا در دوران خودکفایی گذشته کشورمان، به عنوان مکمل یکدیگر، در جهت شناسایی و فعال کردن امکانات و به منظور پاسخ به نیازها عمل می‌نمودند. عوامل شهری بقای خود را در فعالیت درست و تضمین شده روستاها دانسته؛ لذا امکانات مدیریتی، سرمایه‌گذاری، فنی، بازرگانی و بالاخره خدماتی خود را جهت حفظ و تکامل این نهاد به کار می‌گرفته‌اند. در چنین نظام مولدی نیازهای افزایش جمعیت با گسترش میدان فعالیت در آبادیهای موجود و یا با ایجاد آبادیهای جدید پاسخ پیدا می‌کرده است. از این رو در جهت حفظ تعادل زمینه گسترش کار مولد تدبیر می‌شده و در نتیجه رشد کاذب عوامل غیرمولد در داخل شهرها یا روستا تعدیل می‌گردیده است. جامعه ما در حال حاضر در زمینه به کارگیری پهنه از منابع تولید کم‌توجه می‌باشد، اما در پانزده سال آینده انتخاب دومی وجود ندارد، یا باید پایه‌های اقتصاد خودکفاه را بسازد و یا باید به آثار و بحران حاصل از فرو ریختن پایه‌های وابستگی به اقتصاد نفت تن در دهد. حداکثر تا پانزده سال آینده در صورت عدم تغییر اساسی در شرایط تولید و مصرف نفت، نفت ایران به عنوان یک منبع انرژی مورد مصرف داخلی واقع می‌گردد و زمینه‌های ارزآوری آن متزلزل می‌شود. جهت پیش‌بینی و رفع نارسایی‌ها باید متوجه تقویت و احیاء سرمایه‌های مولد و بالقوه گردیم و در جهت به کارگیری پایه‌های اعتقادی، فرهنگی، علمی و فنی، امکانات و نیروهای انسانی بالقوه شهرها و روستاها بمان جهت پر کردن خلأها باشیم. با توجه به نقش عمده و اساسی تولیدات بخش کشاورزی در اقتصاد - خودکفایی و فعالیت پایدار کشور در پیوند شهر و روستا توسعه این بخش مورد هدف قرار می‌گیرد.

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تفاوت چشمگیری بین مزارع توسعه یافته و بخش مزارع کشاورزان خرده‌پا که اغلب برای امرار معاش خود کار می‌کنند، مشاهده می‌شود. کشتزارهای توسعه یافته در سایه پشتوانه

مالی و مدیریت حرفه‌ای، خیلی زود شیوه‌های نوین را پذیرا می‌شوند و عموماً در هر واحد سطح از یک گیاه مشابه، محصولی بهتر از کشاورزان خرده‌پا بعمل می‌آورند. صفت مشخصه کشاورزان خرده‌پا که اغلب در حد معیشت سالانه خود کشت می‌کنند، کوچک بودن قطعات زمین و پائین بودن سطح تولید آنهاست. گرچه در سالهای اخیر با معرفی انواع محصولات بهتر میزان محصول افزایش یافته است، اما کشاورزان خرده‌پا بعلت عدم سهولت دسترسی فوری به اعتبارات کشاورزی، تکنولوژی جدید و تسهیلات دیگر هنوز هم روی قطعه‌های کوچک زمین خود یا زمینی که از مالکان بزرگ اجاره کرده‌اند، فقط گذران زندگی می‌کنند. سیاست اصلاحات ارضی در بسیاری از کشورها بر آنست که توزیع عادلانه‌تر زمین را به مرحله اجرا درآورد تا به این ترتیب فرصتهای بیشتری برای کشاورزان خرده‌پا فراهم آید. این سیاستها غالباً با برنامه‌هایی همراه هستند، تا موجبات دسترسی به اعتبارات مالی و تکنولوژی نوین را فراهم آورند.

در واقع برای حرکت به سمت توسعه باید ابعاد آن را در نظر گرفت و توجه به یک یا تنها چند بعد از آن، سبب دستیابی به توسعه پایدار و همه جانبه نمی‌گردد. در پارادایم جدید توسعه محور و کانون توجه انسان و مشارکت همه افراد در همه ابعاد مدیریتی است.



گردآوری، آماده‌سازی و اشاعه اطلاعات، یک بخش اساسی از فرآیند توسعه بشمار می‌آید. انواع مختلف اطلاعات، مورد نیاز انواع مختلف استفاده‌کنندگان است. اداره‌کنندگان حکومت، مسئولان بانکهای توسعه، مدیران مزارع و کارخانه‌ها، کارکنان ترویج و تعلیم، دانشگاهیان، دانشمندان، مشاوران توسعه و آخر از همه - ولی نه کمتر از همه - خود کشاورزان، نیاز به اطلاعات صحیح و بموقع دارند، تا بتوانند تصمیمات درست اتخاذ نمایند.

اطلاعات کشاورزی مورد نیاز طبقات وسیعی از استفاده‌کنندگان، از مدیران و مسئولان امور مالی گرفته تا محققین و کارکنان توسعه و ترویج می‌باشد. معمولاً برای خدمات بین‌المللی اطلاع‌رسانی مقدور نیست که به این گروه‌ها، بویژه خود کشاورزان یعنی، استفاده‌کنندگان نهایی از بیشترین اطلاعات کشاورزی، مستقیماً کمک کنند. بنابراین بواسطه‌هایی نیاز خواهد بود که مسئولیت تنظیم مجدد اطلاعات، در چهره‌ی متناسب با نیازها و شرایط محلی استفاده‌کنندگان را بعهده گیرند. در این میان نمی‌توان نقش مروجین یا مشاورین کشاورزی را در انتقال نتایج تجارت آزمایشگاهی و عملی به منافع محسوس (مثل افزایش بازدهی محصول و توسعه رفاه جمعیت روستایی) خیلی مهم شمرد؛ زیرا برای انتخاب اطلاعات مناسب و ارائه آن به طریق مناسب دانش محلی از محیط زیست و مشکلات اجتماعی روستاییان ناچیز است. متأسفانه در مورد خدمات جاری اطلاع‌رسانی کشاورزی، مطالعات اخیر نشان داده است که حتی در کشورهای صنعتی خدمات موجود نیازهای اطلاعاتی مروجین را بخوبی و بنحو رضایتبخش برطرف نمی‌کند.

کلید پیشرفتهای آتی اطلاعات بین‌المللی کشاورزی در همکاری و تشریح مساعی است. تقریباً تا یک درجه معین، همکاری بین تهیه‌کنندگان و مراکز تخصصی صورت می‌گیرد. مع‌هذا تاکنون در بیشتر موارد، انتقال اطلاعات تنها از یک طرف یعنی از تهیه‌کننده به مراکز تخصصی انجام گرفته است.

اما با توسعه مراکز تخصصی، فرصتهای هرچه بیشتری برای همکاریهای دو جانبه بوجود خواهد آمد که منافع هر دو طرف را بدنبال خواهد داشت. این نوع همکاری واقعی بین‌المللی یکی از دلایل اصلی موفقیت AGRIS در کشورهای در حال توسعه است. در حقیقت، تعدادی از مراکز ملی مورد بحث، مراکزی هستند که از طریق AGRIS توسعه یافته‌اند. گسترش این نوع همکاریها به دیگر مراکز تخصصی و تهیه‌کنندگان بین‌المللی به مراکز ملی این امکان را می‌دهد که بصورت مراکز واقعی و بخش فعال یک شبکه بین‌المللی درآیند و رضایت شغلی و روحیه کارکنانشان بمیزان زیادی افزایش یابد. به این ترتیب پوشش نظام بلحاظ اینکه مواد قابل دسترسی در مراکز تخصصی را نیز شامل می‌شود، گسترش خواهد یافت و این چیزی است که برای تهیه‌کنندگان بین‌المللی به آسانی بدست نمی‌آید. پرداخت غیربولی (نظیر تهیه چکیده و ارائه آن به نظام) می‌تواند جایگزین پرداخت به ارز خارجی باشد که این خود برای خیلی از کشورهای در حال توسعه منافع زیادی خواهد داشت.

گسترش خدمات درون خطی - پیوسته (Online) در کشورهای در حال توسعه بعلت هزینه بالای ارتباطات بین‌المللی راه دور و فقدان شبکه‌های تلفنی مناسب، راکد مانده است. در سال ۱۹۸۱، ارائه جستجوی پیوسته در مکانهایی مثل ریاض و پکن با اتصال به گره‌های اروپایی، امکان فنی چنان خدماتی را نشان داده است. بدون شک این خدمات در چند سال آینده با استفاده از تکنولوژی جدیدتری (ارتباطات ماهواره‌ای) هرچه بیشتر در دسترس کشورهای در حال توسعه قرار خواهد گرفت و موافقتنامه‌های بین‌المللی هزینه‌ها را خیلی کاهش می‌دهد. دستیابی به این تکنولوژی نوین موجب افزایش تقاضا برای خدمات تقویتی و برانگیختن علائق در زمینه همکاریهای آینده بین مراکز تخصصی و تولیدکنندگان بانک داده‌ها خواهد شد.

کوتاه سخن آنکه خدمات بین‌المللی اطلاع‌رسانی باید مراکز تخصصی را مورد حمایت قرار دهند و در توسعه آنها بکوشند تا به حد "مراکز عالی" ارتقاء یابند، بطوریکه در زمینه اطلاعات تخصصی خود در جهان مشخص شوند. (چیزی که فعلاً در مورد پاره‌ای از آنها می‌تواند مطرح باشد.) در خیلی از موارد، اگر مراکز ملی و منطقه‌ای بخواهند به این اهداف دست یابند، ضرورتاً باید به بهسازی ارتباطات داخلی و خارجی و هماهنگی خدمات بین کشورهای یا مناطق اقدام کنند. زمانی یک مرکز ملی می‌تواند بطور موثر منابع و تخصصها را متمرکز نماید و در عین حال پایدار نیز بماند که مرکز یک شبکه ملی کارآمد قرار گیرد. کشاورزی همچنان اولویت خود را در توسعه اقتصادی و اجتماعی بیشتر کشورهای جهان سوم حفظ خواهد کرد و نیاز برای خدمات اطلاعاتی افزایش خواهد یافت. تنها با همکاری نزدیک بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی است که این فراخوان می‌تواند بطور موفقیت‌آمیز عملی شود.

محیط زیست و توسعه

توسعه اقتصادی به خودی خود مستلزم تغییر در روش زندگی و فعالیت مردم است در حالی که خودداری از تخریب محیط زیست در جریان تأمین رفاه اقتصادی نیز به شناخت مردم از رابطه بین تأمین معیشت و حفظ طبیعت نیاز دارد.

بهره‌برداری بی‌رحمانه از منابع زمین سبب شد که بر منابع طبیعی کشور زبان‌های جبران‌ناپذیر و سنگینی وارد شود. باید هماهنگی بین بهره‌برداری از منابع و حفاظت از آن ایجاد گردد. در واقع با فدا کردن محیط زیست رشد اقتصادی حاصل نمی‌گردد.

در واقع یکی از جنبه‌های بسیار مهم که در پارادایم جدید توسعه به آن توجه فراوانی شده، حفاظت از محیط زیست و بهره‌برداری اصولی و پایدار از محیط طبیعی است که ضمن ایجاد یکپارچگی محیط زیست از تخریب آن جلوگیری کنند.

در مباحث زیست محیطی تخریب و فرسایش خاک و آلوده‌سازی منابع آب و به هدر دادن آن از موارد کلیدی

توسعه اقتصادی به خودی خود مستلزم تغییر در روش زندگی و فعالیت مردم است در حالی که خودداری از تخریب محیط زیست در جریان تأمین رفاه اقتصادی نیز به شناخت مردم از رابطه بین تأمین معیشت و حفظ طبیعت نیاز دارد.

کشزارهای توسعه یافته در سایه پستوانه مالی و مدیریت حرفه‌ای، خیلی زود شیوه‌های نوین را پذیرا می‌شوند و عموماً در هر واحد سطح از یک گیاه مشابه، محصولی بهتر از کشاورزان خرده‌پا بعمل می‌آورند. صفت مشخصه کشاورزان خرده‌پا که اغلب در حد معیشت سالانه خود کشت می‌کنند، کوچک بودن قطعات زمین و پائین بودن سطح تولید آنهاست.

حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ سال طول
می کشد تا یک اینچ خاک شکل
بگیرد در صورتی که شدیدترین
فرسایش ها می توانند در طی فقط چند
فصل همان مقدار خاک را بروند و
بالتبع فرسایش زمین و رمق آن را
می گیرد. زیرا قسمت اعظم مواد آلی
و مغذی در لایه های فوقانی خاک
قرار دارند.



و مهم محسوب می شوند. بطور مثال تخریب زمین چهار علت عمده دارد که عبارتند از:

۱. چرای بیش از اندازه در چراگاه
۲. کشت بیش از حد در زمین های کشاورزی
۳. مصرف بی رویه آب و شور شدن زمین های آبیاری شده
۴. از بین رفتن جنگلها

که همه آنها ریشه در فشار بیش از حد انسان ها بر زمین و یا سوء اداره آن دارند. چراگاه ها و حیواناتی که در آنها می چرند، نقش بسیار مهمی در تأمین غذای مردم جهان بر عهده دارند. ۳۰ میلیارد گاو، گوسفند، بز و شتری که در چراگاه های جهان می چرند، کاری را انجام می دهند که بشر قادر به انجام آن نیست. آنها لینوسلوز را که یکی از محصولات اصلی فتوسنتز است و برای انسان ها قابل هضم نمی باشد، به گوشت و شیر که بهترین عامل تأمین کننده پروتئین مرغوب برای انسان هستند، تبدیل می کنند. استفاده از علوفه و غلات برای تغذیه دام ها باعث شده که در بعضی از مناطق جهان وابستگی مردم به حیوانات چرنده کاهش یابد. اما در قسمت زیادی از آفریقا، خاورمیانه، بعضی مناطق هندوستان و آمریکای لاتین نشخوارکنندگان چرنده هنوز نقش مهمی در اقتصادهای معیشتی بازی می کنند و معاش میلیون ها خانواده دامدار از طریق آنها تأمین می شود. تخریب چراگاه ها اغلب به این شکل صورت می گیرد که بر اثر چرای بیش از حد در چراگاه، کیفیت رستنی های آن و در نهایت کمیت آنها به تدریج پایین می آید. وقتی اندازه گله های دامی از ظرفیت نگهداشت علف های دایمی و چند ساله منطقه چرا بیشتر شود، علف های یکساله و بوته هایی که برای دام ها نامطلوب می باشند جای آنها را می گیرند. اگر این پابمال کردن و چرای بیش از حد ادامه یابد، انواع پوشش های گیاهی زمین کاهش می یابند و در مقابل تأثیر زیانبار این روند زمین به شکل پوستی مرده در می آید و فرسایش آن تشدید می شود. تشکیل شیارهای بزرگ و توده های شنی علامت این است که بیابان زایی، پیروزی دیگری یافته است. حوضچه های آبشخوار دام ها، که یکی از بخش های معروف طرح های توسعه بین المللی هستند، نیز در بیابان زایی چراگاه ها نقش داشته اند. گله ها نمی توانند بیش از سه روز بدون آب باشند. در نتیجه حفر حوضچه های آب برای حفظ گله به هنگام خشکسالی منطقی به نظر می رسد. اما تمرکز دام ها در اطراف این آبشخوارها منجر به چرای بیش از حد در آن ناحیه می شود که به تدریج به نواحی اطراف مرکز حوضچه گسترش می یابد. وقتی که دوباره خشکسالی می آید، دام ها به ندرت در اثر تشنگی می میرند. بلکه علت مرگشان بیشتر کمبود علف است. زمین از کشت بیش از حد فرسوده می شود و این چیزی است که هم اکنون حداقل ۳۳۵ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی دیم سراسر جهان (به غیر از زمین های مناطق مرطوب) یعنی بیش از یک سوم کل زمین های دیم جهان به آن دچار شده است. زمین های کشاورزی فاقد پوشش های گیاهی یا زمین هایی که در شیب تند دامنه ها واقع شده اند، مستعد فرسوده شدن در اثر نیروی فرسایش باد و باران هستند. حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ سال طول می کشد تا یک اینچ خاک شکل بگیرد در صورتی که شدیدترین فرسایش ها می توانند در طی فقط چند فصل همان مقدار خاک را بروند و بالتبع فرسایش زمین و رمق آن را می گیرد. زیرا قسمت اعظم مواد آلی و مغذی در لایه های فوقانی خاک قرار دارند. تخمین زده شده است که حدود نیمی از کودی که در هر سال به زمین های کشاورزی آمریکا داده می شود، صرف جایگزینی مواد مغذی می گردد که بیشتر بر اثر فرسایش از بین رفته اند. به علاوه فرسایش ساخت و ترکیب زمین را تخریب می کند و ظرفیت نگهداری آب آن را کاهش می دهد. در نتیجه رطوبت کمتری به گیاه می رسد که این مساله بخصوص در نواحی خشک تر اغلب مهمترین اثر مخرب فرسایش زمین به شمار می رود یکی از اصول توسعه پایدار حفظ محیط زیست و منابع پایه است. برای این امر راهکارهای مختلفی وجود دارد. مثلاً در زمینه حفاظت جنگل، برای توسعه پایدار جنگل ها با حداقل حفاظت بهتر از آن و نیز تأمین محصولات مورد نیاز کشور و رونق اقتصادی

این شاخه در صنعت لازم است:

- ۱- بالا بردن سطح دانش فنی و استفاده از روش‌ها و متدهای علمی جدید در اجرای طرح‌های جنگل‌داری، به افزایش میزان تولید فرآورده‌های جنگلی، جوان‌سازی و گسترش جنگل‌ها کمک شود.
- ۲- با کنترل مصرف فرآورده‌های جنگلی و صرفه‌جویی و استفاده بهینه برای تولید ضروری‌ترین محصولات صنعتی موردنیاز کشور فشار وارد بر جنگل‌ها کاهش داده شود.
- ۳- فعالیت‌های جنگل‌داری و حفاظت باید در همه عرصه‌های جنگلی توسعه و تعمیم یابد و از حضور مجریان شایسته و نیز مجریان دولتی خودگردان در حفظ و احیای جنگل‌ها استفاده شود.
- ۴- در ادامه برنامه‌ریزی برای تولید بیولوژیک و تولید مکانیکی در تدوین طرح‌های جنگل‌داری، برنامه‌ریزی برای تولید صنعتی و انتخاب صنعت مناسب به عنوان جزئی از مطالعات طرح‌های جنگل‌داری مورد توجه قرار گیرد.
- ۵- با استفاده از ارزش افزوده به صنعت در کنار طرح‌های جنگل‌داری باید نسبت به حذف تفکر اقتصادی صرف از متن فعالیت‌های جنگل‌داری اقدام شود و شرکت‌های دولتی خودگردان توسعه داده شود.
- ۶- باید با اجرای فعالیت‌های ترویجی و آموزشی نسبت به ارتقای فرهنگ منابع طبیعی و اشاعه آن به صورت باور و پنداشتی ملی و مذهبی اقدام شود.
- ۷- با اجرای دقیق و جدی‌تر قوانین و برخورد قاطع با متخلفان به منابع طبیعی باید نسبت به حفظ جنگل‌ها و توقف روند تخریب فعلی اقدام شود.

فقر و پیشروی بیابان در ارتباط مستقیم با یکدیگر هستند، پیشروی بیابان یک میلیارد انسان را تهدید می‌کند و همه ساله زمین‌های با ارزش کشاورزی و مراتع توسط باد یا سیل غیرقابل کشت می‌شوند. با مرکزیت‌زدایی و خودکفایی اقتصادی و تقلیل مصرف چوب برای مصارف آشپزی و غیره و جایگزینی سوخت‌های دیگر چون برق، بیوگاز و... می‌توان با پدیده بیابان‌زایی مقابله کرد.

توسعه و جهانی شدن

جهانی شدن امری صرفاً اقتصادی نیست اگرچه جنبه اقتصادی آن بیشتر در معرض مشاهده و داوری است. البته همچنانکه اقتصاد در دنیای مدرن جایگاه ممتاز و ویژه‌ای دارد در روند جهانی شدن نیز که از تبعات توسعه دنیای مدرن است، نقش و اهمیت خاصی دارد. علاوه بر اقتصاد، جهانی شدن در این دوره اخیر بیشتر از جهت گسترش ارتباطات و نزدیک شدن اطلاعاتی انسانها و جوامع، رشد یافته است. این پدیده را برخی اندیشمندان به عنوان شکل گرفتن دهکده جهانی توصیف کرده‌اند.

جهانی شدن به طور کلی به معنی کم‌رنگ و نهایتاً محو شدن مرزهای است که جوامع انسانی را از هم جدا کرده‌اند. این حرکت پیوستگی تقریباً همه جنبه‌های زندگی اجتماعی انسانها را اعم از اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دربرمی‌گیرد.

نکته مهمی که اینجا باید بر آن تأکید کرد این است که روند جهانی شدن از دو جهت به هم پیوسته پیش می‌رود یکی از جهت روشها و دیگری از جهت ارزشها. آنچه اغلب مورد توجه قرار می‌گیرد جهانی شدن روشهاست و اغلب از جهانی شدن ارزشها غفلت می‌شود. حال آنکه در واقعیت، روشها ریشه در ارزشها دارند و جدا از آنها نمی‌توانند منشأ آثار مهمی باشند. به عنوان مثال، در عرصه اقتصادی، روش تخصیص منابع از طریق مکانیسم قیمتها یا بازار رقابتی زمانی می‌تواند موثر و کارآمد واقع شود که در جامعه اعتقاد به ارزشهایی مانند مالکیت فردی، آزادی انتخاب و غیره ریشه دوانده باشد. در عرصه سیاسی، روشهای دموکراتیک اداره امور جامعه زمانی می‌تواند

تحقق یابد که افراد آن جامعه معتقد و ملتزم به ارزشهای دموکراتیک باشند مانند احترام به دیگران، پایبندی به حل و فصل صلح‌آمیز اختلافات از طریق تمکین به رأی اکثریت و غیره. کامپیوتری کردن سیستم‌های اداری و مالی زمانی می‌تواند نتیجه‌بخش باشد که کاربران این روشها به بهره‌وری به عنوان یک هدف معتقد باشند و گرنه کامپیوتر به عنوان ابزار بازی مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته باید توجه داشت که میان ارزشها و روشها رابطه خطی ساده و یک سویه وجود ندارد یعنی اگرچه در نهایت ارزشها تعیین‌کننده هستند اما در مواردی عملاً به کار گرفتن برخی روشها، زمینه را برای ریشه گرفتن ارزشهای متناسب با خود فراهم می‌آورد. گسترش تجارت آزاد و شیوه‌های عملی آن می‌تواند گرایش به ارزشهای فردگرایانه را در مردم تقویت کند. همچنانکه استفاده از کامپیوتر به هر حال کاربران را با ارزش زمان و اهمیت

نکته مهمی که اینجا باید بر آن تأکید کرد این است که روند جهانی شدن از دو جهت به هم پیوسته پیش می‌رود یکی از جهت روشها و دیگری از جهت ارزشها. آنچه اغلب مورد توجه قرار می‌گیرد جهانی شدن روشهاست و اغلب از جهانی شدن ارزشها غفلت می‌شود.



صرفه‌جویی در آن آشنا می‌سازد. مخالفان جهانی شدن طیف گسترده‌ای را از مارکسیست‌ها گرفته تا ملی‌گرایان و طرفداران محیط زیست تشکیل می‌دهند. جبهه وسیع علیه جهانی شدن علیرغم اینکه از مکتب‌ها و نیروهای سیاسی و اجتماعی نامتجانسی تشکیل شده‌اند دارای یک وجه مشترک هستند که می‌تواند آنها را در یک جبهه گرد هم آورد. این وجه مشترک عبارت است از اعتقاد به نوعی معرفت‌شناسی هولیستی که مبتنی بر ارزشهای جمع‌گرایانه است و نفی ارزشهای جهان شمول فردگرایانه و معرفت‌شناسی فرضیه‌ای (مدرن) ناشی از آن. مارکسیست‌ها دنیا را از زاویه پروولتاریا می‌نگرند، ملی‌گرایان در بند ملت‌اند، نیروهای مذهبی خود را مقید به امت‌دینی می‌دانند، طرفداران صلح و محیط زیست دغدغه بشریت و آیندگان را دارند و...

اما هیچکدام از اینها از حقوق و ارزشهای فردی انسانها (انسان‌های مشخص مثل شما و بنده) سخن نمی‌گویند. این نیروهای جمع‌گرا نگران موجودات موهومی هستند که بدون حیات فردی انسانها حتی در تصور هم نمی‌گنجند.

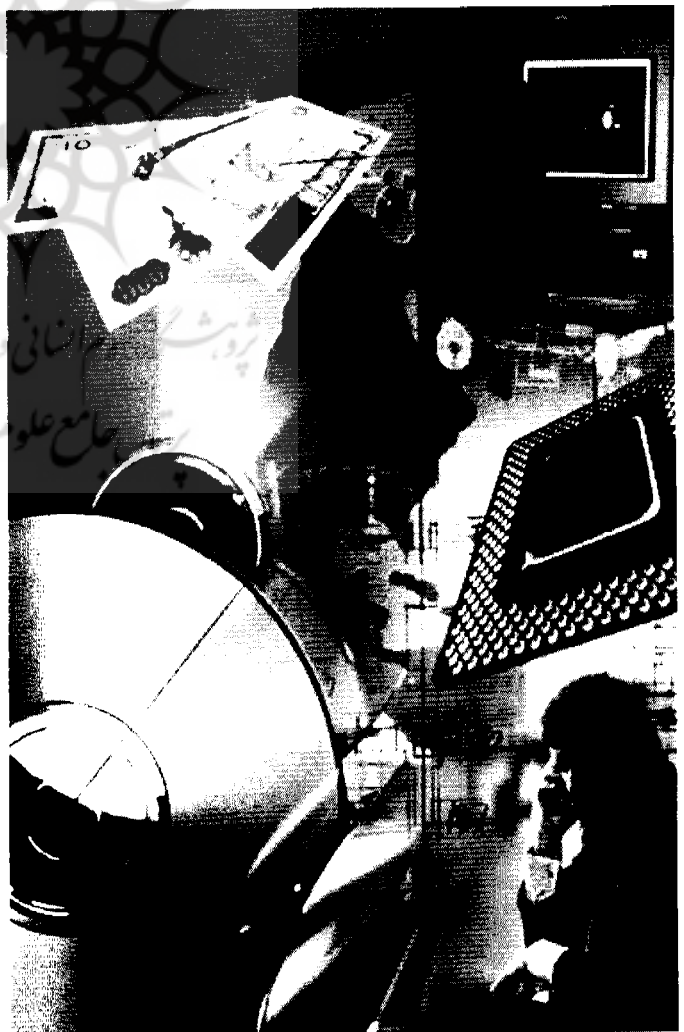
برای داوری درباره عدلانه بودن یا مشروعیت داشتن فرایند جهانی بهتر است به نتایج آن برای میلیون‌ها انسان زنده و موجود بنگریم. طی دو دهه پایانی قرن بیستم که روند جهانی شدن شتاب زیادی گرفت وضعیت رفاهی و سطح زندگی میلیون‌ها انسان در اقصی نقاط دنیا به ویژه در آسیا به نحو چشم‌گیری بهبود یافت. سطح زندگی متوسط آنها در این زمان نسبتاً کوتاه‌تر از سه برابر بهبود یافته است. کشور بزرگ هند نیز همانند چین با یک تأخیر مسیر کم و بیش مشابهی را طی می‌کند. وضعیت کشورهای خاور دور مانند کره جنوبی، تایوان، سنگاپور، اندونزی و غیره نیازی به توضیح زیاد ندارد. به عنوان مثال درآمد سرانه کره جنوبی امروزه حدود ده برابر درآمد سرانه کشور ما است در حالی که سی سال قبل این کشور به مراتب از ایران فقیرتر بود. این پیشرفت‌ها و دستاوردها عمدتاً در سایه جهانی شدن و ادغام اقتصاد این جوامع در اقتصاد جهانی امکان‌پذیر شده است. جوامعی که در حاشیه مانده‌اند مانند برخی کشورهای آفریقایی که به علت جنگ‌های داخلی و یا علل دیگر در روابط اقتصادی بین‌المللی نتوانسته‌اند به خوبی مشارکت نمایند پیشرفتی نیز نداشته‌اند و حتی در مواردی فقیرتر هم شده‌اند.

به صرف اتکاء به سرمایه‌گذاری خارجی نمی‌توان مشکلات اقتصادی در ایران را حل کرد واقعیت این است که به جز در بخش‌هایی که دولت به طور مستقیم یا غیرمستقیم طرف قرارداد است و امنیت و حتی سودآوری سرمایه‌گذاری خارجی را تضمین می‌کنند مانند بخش‌های نفت و گاز و پتروشیمی، هیچ سرمایه‌گذار خارجی تمایلی به سرمایه‌گذاری در کشور ما ندارد. علت این امر عواملی است که برای سرمایه‌گذاری داخلی بازدارنده است و برای سرمایه‌گذاری خارجی نیز به طریق اولی چنین است. از جمله این عوامل، عدم امنیت اقتصادی، روشن نبودن حقوق مالکیت، دیوانسالاری عریض و طویل و هزینه‌ساز، مشکلات نظام بانکی و قوانین آن و نیز سیاست‌های حمایتی دولتی از برخی بخش‌ها و صنایع است. ادغام در اقتصاد جهانی و جلب سرمایه‌های خارجی به صرف اراده و تصمیم مسئولان امکان‌پذیر نیست، گرچه این تصمیم می‌تواند گام مثبتی در جهت اصلاح اوضاع اقتصادی تلقی شود. برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی و مشارکت فعال در اقتصاد جهانی باید ابتدا ساختار بیمار اقتصاد داخلی اصلاح شود. خارجی‌ها زمانی مشتاق سرمایه‌گذاری در ایران خواهند شد که پیش از آنها ایرانی‌ها چنین اشتیاقی از خود نشان دهند.

نیاز کشور ما به سرمایه‌گذاری خارجی بیش از آنکه از جهت منابع مالی باشد از جهت انتقال تکنولوژی‌های پیشرفته اهمیت دارد. اقتصاد ایران به علت مشکلاتی که دارد، قادر به جذب منابع داخلی سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد نیست. از اینرو مشکل حادی تحت عنوان کمبود منابع مالی برای اقتصاد کشور ما وجود ندارد. اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی اساساً از جهت نیاز به بهره‌وری بالای تکنولوژی‌های پیشرفته و آشنائی با روش‌های جدید بنگاه‌داری و مدیریتی است. اقتصاد دولتی ماشین عظیم اتلاف منابع است حال این منابع داخلی باشد یا خارجی تفاوتی نمی‌کند.

دولت و توسعه

ریشه اصلی مشکلات اقتصادی و اجتماعی عمدتاً در ساختار دولتی نظام اقتصادی ایران و اکثر کشورهای در حال توسعه قرار دارد. گرچه هنوز اختلاف‌نظر بر سر چگونگی حل مشکلات اقتصادی وجود دارد اما میزان آن نسبت به قبل بسیار کمتر شده است. امروزه در جامعه ما کمتر کسی پیدا می‌شود که به صراحت از اقتصاد دولتی حمایت کند، حتی نیروهای چپ نیز تمایلی ندارند خود را طرفدار اقتصاد دولتی معرفی کنند. همه مسئولان رده بالای اقتصادی خود را طرفدار اقتصاد غیردولتی و مردمی می‌دانند. اما با اینحال ساختار اقتصاد ایران همچنان دولتی باقی مانده و حتی دولتی‌تر نیز می‌شود. واقعیت این است که همه رهنمودهای مربوط به غیردولتی کردن اقتصاد یا به اصطلاح خصوصی‌سازی که در برنامه‌های پنج‌ساله اول تا سوم بر آنها تأکید شده است در عمل با بن‌بست



مواجهه شده‌اند. آزادسازی اقتصادی در ایران، همانند بسیاری کشورهای دیگر با دو مانع اصلی روبرو است: گره‌های کور ایدئولوژیکی و منافع متشکل افراد یا گروه‌های ذی‌نفوذ اقتصادی. بسیاری از کسانی که با حرارت زیاد از آزادسازی اقتصادی دفاع می‌کنند اغلب این دفاع پرشور را در نهایت با قید و بندهائی مشروط می‌سازند که عملی ساختن آنها در واقع به معنای نفی سیاستهای آزادسازی است. مثلاً خصوصی‌سازی یک بنگاه بزرگ دولتی مشروط می‌شود به حفظ سطح معینی از اشتغال یا رعایت سطح مشخصی از قیمت‌ها. این گونه سیاستهای آکنده از تناقض از یک طرف ناشی از عدم درک منطق اقتصادی و چگونگی عملکرد یک نظام آزاد اقتصادی است و از سوی دیگر ریشه در برخی ارزشهای سنتی - قبیله‌ای دارد که اهداف فردی و جمعی را همیشه در تضاد با هم می‌انگارد.

مانع مهم دوم منافع افراد و گروههایی است که سرنوشت آنها در پیوند با نظام اقتصاد دولتی است. غیردولتی کردن این نظام و آزادسازی اقتصادی، سرچشمه منافع اغلب ناموجه اما سرشار آنها را می‌خشکاند. آزادی اقتصادی و رقابت، کابوس وحشتناک بسیاری از مدیران انتصابی بنگاههای بزرگ دولتی و نیز دیوانسالاری است که در سایه اقتصاد دولتی به قدرتهای بی‌مانندی رسیده‌اند و با چرخش یک قلم منابع عظیم اقتصادی را جا به جا می‌نمایند. طرفه اینجا است که مأموریت خصوصی‌سازی و آزادسازی اغلب به عهده همین افراد گذاشته می‌شود. واضح است که در چنین شرایطی پیشرفتی حاصل نخواهد آمد.

برای خروج از بن‌بست باید دو مانع ساختار دولتی نظام اقتصادی و منافع افراد و گروههایی که سرنوشت آنها در پیوند با نظام اقتصاد دولتی است را از پیش پا برداشت. برچیدن مانع اول مستلزم فعالیت‌های فکری است و مسئولیت آن متوجه اهل نظر و روشنفکران است. از میان برداشتن مانع دوم نیازمند اراده سیاسی قدرتمندی است که بتواند سد منافع را درهم بشکند. سیاست خصوصی‌سازی باید طوری طراحی شود که افراد ذی‌نفع در اقتصاد دولتی نتوانند در اجرای آن دخالت کنند. برای اجرای سیاستهای آزادسازی یعنی حذف مقررات و کنترل‌های دست و پاگیر دیوانسالاری دولتی نیز باید از چنین روشی پیروی نمود. در کل باید این اصل را بپذیریم که هیچ کس به میل خود منافع خود را قربانی تأمین اهداف دیگران نمی‌کند. از اینرو بهتر است به سیستمی روی آورد که در آن منافع فردی و جمعی در تضاد با هم نباشند. بزرگتری و برتری نظام اقتصادی آزاد و رقابتی در همین است.

آزادی و دموکراسی با اقتصاد دولتی غیرقابل جمع است. بعلاوه اقتصاد دولتی راه حل مناسبی برای حمایت از اقشار پائین و کم‌درآمد جامعه نیست. در یک اقتصاد دولتی رابطه خادم و مخدوم عوض می‌شود یعنی به جای آنکه دولت مستخدم و گوش به فرمان مردم باشد برعکس می‌شود و مردم مطیع دستورات دولت می‌گردند. وابستگی اقتصادی مردم به دولت در عمل آزادی آنها را سلب می‌کند و دولت را در منزلت ولی نعمت قرار می‌دهد. دموکراسی وقتی معنا دارد که مردم آزادانه در زندگی سیاسی و اجتماعی مشارکت نمایند. اما زمانی که همه احاد مردم به مستخدمان دولتی تبدیل می‌شوند چگونه می‌شود از آزادی و مشارکت سخن گفت؟

همانطور که رییس شبکه سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی در ایران، تأکید دارد، دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی به این نتیجه رسیده‌اند که بدون مشارکت مردم، دستیابی به توسعه پایدار ناممکن است.

البته فعالیت مردم و سازمان‌های غیردولتی در زمینه‌های زیست محیطی پدیده تازه‌ای نیست و بسیاری از تشکلهای سیاسی حامی محیط زیست در ابتدا به شکل نهادهای مدنی مردمی شکل گرفتند. ناکارآمدی ذاتی اقتصاد دولتی، که دلایل تئوریک آنرا باید در جای دیگر به بحث گذاشت، همیشه به زیان اقشار پائین جامعه و به نفع معدود دیوانسالاران عالی مرتبه و مدیران دولتی می‌انجامد. تجربه تاریخ بشری هیچ نمونه‌ای از اقتصاد دولتی کارآمد را ثبت نکرده است. اما در مقابل می‌توان ملاحظه نمود که در هر جامعه‌ای که مردم از رفاه و ثروت پایداری برخوردار شده‌اند همیشه در سایه تجارت آزاد و اقتصاد رقابتی بوده است. درست است که در مواردی و در مقاطع زمانی معینی، اقتصاد آزاد با حکومت‌های اقتدارگرا توأم بوده است مانند کره جنوبی یا شیلی، اما این وضعیت مدت زیادی دوام نیاورده است و دموکراسی و آزادی سیاسی در پی تحکیم و تثبیت آزادیهای اقتصادی ظهور کرده است. واقعیت این است که همه تجربه‌های اقتصاد دولتی حتی آنها که ۷۰ سال دوام آوردند ناکام و شکست خورده‌اند، در حالیکه تجربه شکست خورده سیاستهای "تعدیل" منحصر به کشورهای است که اصلاحات اقتصادی را در جهت برقراری یک نظام آزاد و رقابتی به صورت نیم‌بند و ناقص به اجرا گذاشته‌اند.

تاکنون بیشتر به عمران روستاها توجه شده و به مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها کمتر توجه شده است. مأموریت وزارت جهاد کشاورزی تعیین سیاست‌ها و راهبردهای مربوط به توسعه و عمران روستاها، تهیه، تدوین و اجرا و به هنگام‌سازی نظام‌های اطلاع‌رسانی روستایی، پیش‌بینی سازوکارهای لازم و همکاری با سایر نهادها است.

مأموریت توسعه و حمایت صنایع کوچک تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی در چارچوب سیاست‌های کشور از دیگر مأموریت‌های مصوب جهاد کشاورزی است که می‌تواند سبب تحقق و دستیابی به اهداف توسعه روستایی گردد.

اما در کل می‌توان بیان داشت که وظیفه دولت در توسعه و عمران روستاها و به منظور تسریع در امر توسعه و عمران روستاها و توجه ویژه به بهبود معیشت روستاییان، این است که نسبت به انجام موارد زیر طی دوران برنامه اقدام کند:

الف: امور سازمانی

۱- تعیین نقش و قلمرو وظایف و ارتباطات دستگاهها و سازمانهای مجدد و حذف فعالیت‌های مشابه و موازی.

ناکارآمدی ذاتی اقتصاد دولتی، که دلایل تئوریک آنرا باید در جای دیگر به بحث گذاشت، همیشه به زیان اقشار پائین جامعه و به نفع معدود دیوانسالاران عالی مرتبه و مدیران دولتی می‌انجامد. تجربه تاریخ بشری هیچ نمونه‌ای از اقتصاد دولتی کارآمد را ثبت نکرده است. اما در مقابل می‌توان ملاحظه نمود که در هر جامعه‌ای که مردم از رفاه و ثروت پایداری برخوردار شده‌اند همیشه در سایه تجارت آزاد و اقتصاد رقابتی بوده است.

همه مسئولان رده بالای اقتصادی خود را طرفدار اقتصاد غیردولتی و مردمی می‌دانند. اما با اینحال ساختار اقتصاد ایران همچنان دولتی باقی مانده و حتی دولتی تر نیز می‌شود. واقعیت این است که همه رهنمودهای مربوط به غیردولتی کردن اقتصاد یا به اصطلاح خصوصی‌سازی که در برنامه‌های پنجساله اول تا سوم بر آنها تأکید شده است در عمل با بن‌بست مواجه شده‌اند.



- ۲- واگذاری بخشی از فعالیتهای اجرایی دستگاههای دولتی به شوراهای اسلامی و دستگاههای محلی و مؤسسات و شرکتهای غیردولتی.
- ۳- تعیین ضوابط برای خدمات زیربنایی در محیط روستایی و سطحبندی و ارائه خدمات و تجهیز فضاهای روستایی کشور بر اساس طرحهای توسعه و عمران مصوب.
- ۴- حمایت از مؤسسات غیردولتی تأمین کننده اعتبارات خرد از قبیل صندوق عمران و توسعه روستایی به منظور ارائه تسهیلات به روستاییان برای فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
- ۵- ساماندهی فضاها و سکونتگاههای روستایی به منظور توسعه هماهنگ و موزون فعالیتهای کشاورزی، صنعتی و خدماتی. از طریق توزیع مناسب جمعیت و استقرار بهینه خدمات در محیطهای روستایی و حمایت از اجرای آن.
- ۶- حمایت از سرمایه‌گذارهای خصوصی و مردمی در محیط روستایی با تأمین تسهیلات مناسب به ویژه برای سرمایه‌گذارهای اشتغال‌زا و پرداخت بخشی از سود تسهیلات اعطایی برای مناطق توسعه نیافته.
- ۷- ساماندهی کوچ و حمایت از اسکان عشایر داوطلب.
- ب - به منظور هویت بخشی به سیما و کالبد شهرها و روستاهای کشور و انطباق مشخصات کلیه ساختمانهای مسکونی و غیرمسکونی کشور با ویژگیهای فرهنگ معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی (بومی) و رعایت اصول و ضوابط مربوطه در نماسازی و طراحی شهری و روستایی کشور و جلوگیری از تخریب ساختمانها و نماهای با ارزش در شهرها، وزارت مسکن و شهرسازی موظف است به تدریج و حداکثر تا پایان برنامه سوم ضمن انجام مطالعه و تحقیق و با همکاری دستگاهها و مراجع ذیربط، نسبت به تهیه، تدوین و ارائه اصول، ضوابط و مقررات نماسازی در کلیه ساخت و سازهای کشور اقدام و ضوابط مذکور را به کلیه شهرداریها و دستگاههای ذیربط و تشکلهای مهندسی کشور ابلاغ نماید.
- ج - دولت موظف است همه ساله اعتبارات خاصی را در لوائح بودجه به نحوی پیش‌بینی نماید تا پس از پایان برنامه سوم، کلیه روستاهای بالای بیست خانوار از راه مناسب، مدرسه، آب شرب بهداشتی، برق و تلفن برخوردار باشند.
- د - به منظور ایجاد اشتغال در مناطق روستایی به ویژه در مناطق توسعه نیافته، صندوقی تحت عنوان صندوق قرض الحسنه توسعه اشتغال روستایی با سرمایه دولت و مردم تأسیس می‌شود. اساسنامه تأسیس صندوق مذکور به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و دفتر امور مناطق محروم کشور - رئیس جمهور و سازمان برنامه و بودجه تهیه و ظرف مدت دو ماه پس از ابلاغ این قانون، به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.
- ### نتیجه گیری
- برای رسیدن به توسعه پایدار علاوه بر تأکید بر رشد اقتصادی به رشد اجتماعی و فرهنگی، اکولوژیکی و فضای و نهادی باید توجه کرد. حذف حضور دولت از صحنه اقتصادی کشور به یکباره امکان‌پذیر نیست. مضافاً اینکه درآمدهای عظیم نفتی که در اختیار دولت قرار می‌گیرد منشاء قدرت اقتصادی مهمی برای دولت است. کاری که می‌توان انجام داد این است که از یک سو با مقررات زدائی و کوتاه کردن دست دیوانسالاری دولتی موجبات رشد و گسترش بخش خصوصی را فراهم آورد و از سوی دیگر با خصوصی سازی و کاستن از هزینه‌های بخش دولتی، وزن اقتصادی دولت را در مجموع کاهش داد. مهم‌ترین الزامات پیوستن به نظام اقتصاد جهانی، حذف حمایت‌های دولتی، آزادسازی و رقابتی کردن فعالیتهای اقتصادی است. واضح است که برآورده کردن این الزامات ناگزیر به کاهش نقش دولت در اقتصاد می‌انجامد. توجه به مردم و نقش آنان و مشارکت گسترده احاد مردم در فرآیند مدیریت توسعه امری الزامی برای کسب توسعه پایدار است. در واقع محوریت توسعه برای انسان‌ها و افزایش توانمندی ایشان است.
- ### فهرست منابع
- ۱- مراقبت از محیط زیست اصل مهم توسعه پایدار است. (۱۳۸۰، ۶ اسفند). همشهری، (۲۶۶۰). سخنگاه آزاد.
 - ۲- غنی‌نژاد، م. انزوایابی و بیگانه‌ستیزی در پوشش استقلال طلبی (جهانی شدن و جایگاه ما در جهان).
<http://www.smisagh.com/fr-d/CD/part1.htm> AghazadeMojadad
 - ۳- تخریب منابع طبیعی تجدیدشونده یک مصیبت جهانی است. (۱۳۸۱، ۲۵ اسفند). همشهری، (۳۰۰۶). محیط زیست.
 - ۴- خدمات اطلاع‌رسانی کشاورزی برای کشورهای جهان سوم (مشکلات، توسعه و دورنماها).
نشریه فنی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران. دوره هشتم؛ شماره ۲.
<http://www.irandoc.ac.ir/E/TELA-ART/JiSold/8-2-3-.htm>
 - ۵- ارجمند، پ. اثر استقرار کارخانه چوب و کاغذ مازندران در توسعه پایدار جنگل‌های شمال ایران. معاون آموزش و تحقیقات شرکت چوب و کاغذ مازندران.
 - ۶- مروری بر تجربه‌های جهانی برای مقابله با پیشروی بیابان در کشور آفریقای مالی بیابان‌ها گسترش می‌یابند. (۱۳۸۰، ۸ شهریور). همشهری، (۲۴۸۸). محیط زیست.
<http://www.tco.ac.ir/law/Farsi/Regulation/Internal/Program3/section3.HTM>
 - ۷- مقررات داخلی و بین‌المللی، مقررات داخلی، قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. بخش دوم. فصل هیجده، عمران شهری و توسعه و عمران روستایی.
 - ۸- دور تازه فعالیت‌ها برای توسعه روستاها. (۱۳۸۱، ۴ شهریور). همشهری، (۲۸۲۱). آب و کشاورزی.